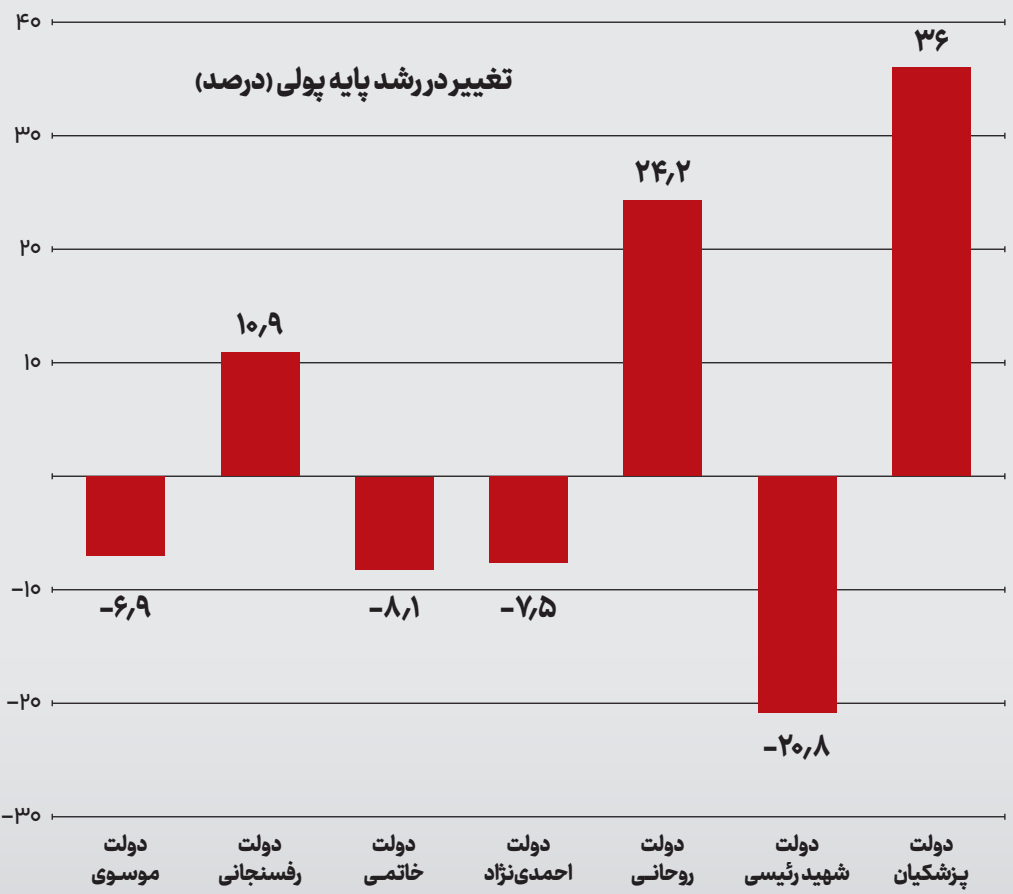


نبض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوگ

دولت چهاردهم از دولت حسن روحانی جلوزد

دولت پزشکیان رکورددار چاپ پول شد



بر اساس آمارهای بانک مرکزی، در بین دولت‌های پس از انقلاب، دولت مسعود پزشکیان بیشترین رشد چاپ پول را به ثبت رسانده است. چاپ پول با افزایش رشد پایه پولی از آنجا که موجب رشد حدوداً ۷ برابری نقدینگی و متعاقباً تحمیل تورم به جامعه می‌شود، همواره شاخص مورد نقدی در اقتصاد ایران بوده است. طی ۴ دهه اخیر علت اصلی چاپ پول یا رشد پایه پولی در ایران، استقراض دولت‌ها از بانک مرکزی برای تأمین هزینه‌ها بوده است. یعنی دولت‌ها به علت بی‌انضباطی مالی و بودجه‌ای، دچار کسری بودجه شده و این کسری را با چاپ پول تأمین کرده‌اند اما تورم آن را افسار متوسط و کم‌درآمد جامعه تحمل کرده‌اند چراکه تورم بالا همواره به سود افسار مرفه است که دارایی‌های مالی کلانی دارند.

آمارهای بانک مرکزی درباره نرخ رشد پایه پولی در ابتدا و انتهای دولت‌ها نشان می‌دهد دولت پزشکیان بدترین عملکرد را داشته است. در ابتدای دولت چهاردهم رشد پایه پولی ۱۸٫۷ درصد بود اما در بهمن سال گذشته به ۵۴٫۷ درصد رسید که رشد ۳۶ واحد درصدی نشان می‌دهد. بدین ترتیب دولت پزشکیان، رکورد دولت حسن روحانی در چاپ پول را شکست چراکه پیش از این دولت روحانی رکورددار چاپ پول بود.

در بین دولت‌های پس از انقلاب، موفق‌ترین دولت در کنترل چاپ پول، دولت شهید رئیسی بود چراکه توانست نرخ رشد پایه پولی را از ۳۹٫۵ درصد در ابتدای دوره به ۱۸٫۷ درصد در پایان دوره خود برساند. بدین ترتیب دولت شهید رئیسی منضبط‌ترین دولت پس از انقلاب محسوب می‌شود.

مقایسه رشد پایه پولی در ابتدا و انتهای دولت‌ها (درصد)

دولت	ابتدای دولت	انتهای دولت	تغییرات
دولت رفسنجانی	۲۰	۳۰/۹	۱۰/۹
دولت خاتمی	۳۰/۹	۲۲/۸	-۸/۱
دولت احمدی نژاد	۲۲/۸	۱۵/۳	-۷/۵
دولت روحانی	۱۵/۳	۳۹/۵	۲۴/۲
دولت شهید رئیسی	۳۹/۵	۱۸/۷	-۲۰/۸
دولت پزشکیان	۱۸/۷	۵۴/۷	۳۶

رتبه بندی دولت‌ها در چاپ پول (رشد پایه پولی در طول دوره)	دولت	درصد تغییر در رشد پایه پولی
۱	دولت پزشکیان	۳۶
۲	دولت روحانی	۲۴/۲
۳	دولت رفسنجانی	۱۰/۹
۴	دولت احمدی نژاد	-۷/۵
۵	دولت خاتمی	-۸/۱
۶	دولت شهید رئیسی	-۲۰/۸

رتبه بندی دولت‌ها در چاپ پول (رشد پایه پولی در طول دوره)	دولت	درصد تغییر در رشد پایه پولی
۱	دولت پزشکیان	۳۶
۲	دولت روحانی	۲۴/۲
۳	دولت رفسنجانی	۱۰/۹
۴	دولت احمدی نژاد	-۷/۵
۵	دولت خاتمی	-۸/۱
۶	دولت شهید رئیسی	-۲۰/۸

شیخ نعیم قاسم خطاب به قالیباف: ثابت کردید ایران یاور حقیقی مقاومت است

سید شهدای امت، سید حسن نصرالله (رضوان الله علیه)، همچنین مجروحان و اسرا، از شما تشکر می‌کنم. به‌ویژه در جایگاه رئیس هیئت مذاکره‌کننده و همراه با تیم شما، از جمله وزیر امور خارجه دکتر عباس عراقچی. همچنین امیدوارم مراتب سپاس و قدردانی ما را به رهبر، آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (دام ظله)، که ما را مشمول توجه خود قرار داد و برکات و حمایت‌های شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) را در ما زنده کرد، و نیز به رئیس جمهور دکتر پزشکیان، دوستدار مقاومت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این نیروی نورانی که با صلابت خود معادلات را دگرگون کرد، ارتش، نخبگان و تمامی نهادها و افسار رسمی و مردمی ایران، منتقل فرمایید.

به‌طور ویژه از ملت بزرگ ایران یاد می‌کنم. ما آنان را در میدان‌های شهرهای ایبران دیدیم و درخواست‌هایشان را شنیدیم که آماده‌اند جان خود را برای نجات مقاومت و ملت آن فدا کنند.

شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب الله در پیامی به قالیباف رئیس مجلس نوشت: از جانب حزب الله و شهدای مقاومت از شما تشکر می‌کنم. متن پیام شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب الله به قالیباف به شرح ذیل است:

جناب رئیس مجلس شورای اسلامی، دکتر محمد باقر قالیباف (خداوند شما را تأیید و حفظ فرماید) سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

واژه‌ها از بیان سیاسی عمیق مانسبت به مواضع قاطع و حمایت‌گرانه شما از لبنان، ملت آن و مقاومتش در جهت وادار کردن رژیم اسرائیل به توقف فوری و دائمی عملیات نظامی در تمامی جبهه‌ها، از جمله لبنان، در پیوند با توقف جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نخستین و اساسی‌ترین بند توافق میان ایران و آمریکا، ناتوان هستند. شما تنها روزنه امید مؤثر برای مهار تجاوز اسرائیلی-آمریکایی علیه لبنان را به واقعیتی تبدیل کردید که به جهان ثابت کرد ایران یاور حق، مقاومت و مستضعفان است. اگر دیگران نیز راه ایران را در پیش می‌گرفتند، آمریکا و اسرائیل چنین سرکش و متکبر نمی‌شدند و اشغال صهیونیستی همچنان بر سرزمین فلسطین و قدس سایه نمی‌افکند.

ما همواره گفته‌ایم که ایران به حزب الله، مقاومت و ملت لبنان همه چیز داده و هیچ چیز از آنان نگرفته است. ایران به ما برای انتخاب‌های خودمان، برای تقویت توانمان در راه آزادسازی سرزمینمان، برای التیام زخم‌های جامعه‌مان و کمک به آن، یاری رسانده است. اکنون نیز ایران خون خود را تقدیم می‌کند؛ با بهیاران رژیم صهیونیستی در پاسخ به حمله آن به ضاحیه جنوبی بیروت، در برابر این رژیم ایستاده و پیام‌هایی را تحمل می‌کند که نشانه‌های جنگی گسترده علیه خود ایران را با همه فداکاری‌های عظیم در پی دارد. با صدای رسای می‌گوییم: ایران نماد عزت و شرافت است.

از جانب حزب الله و مقاومت اسلامی آن، از سوی دوستداران مقاومت در میان ملت لبنان که خواستار انتقال قدردانی خود به شما هستند، از طرف شهدا و در رأس آنان

«سید مرتضی محمودی» عضو کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با چارسوگ تشریح کرد:

سیاست‌های نادرست ارزی دولت عامل گرانی‌ها

بازار کشور باید شفاف و تحت رصد شود | قوانینی چون صورتحساب الکترونیک و پایانه‌های فروشگاه‌ها از سوی دولت معطل مانده است | باید به وضع معیشت نیروهای مسلح رسیدگی شود | قابل قبول نیست که قیمت خودرو به یک‌باره ۳ برابر شود | اگر برای افزایش حقوق معلمان و نظامیان پول نیست پس دولت چگونه حقوق اعضای هیات علمی را ۱۰۰ درصد افزایش داده است | گران‌فروشی خودرو یک سودجویی کثیف است |





هزینه ۱۳۸ میلیارد دلاری جنگ‌های بعد اکتبر برای اسرائیل

محمدعرفان قاسمی

🇮🇱 هزینه جنگ‌های چندجبهه‌ای اسرائیل پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا پایان آوریل ۲۰۲۶ به ۴۰۵ میلیارد شیکل، معادل ۱۳۸ میلیارد دلار رسیده که بیش از ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی این رژیم است. در این بازه بودجه دفاعی اسرائیل بیش از دو برابر شده و نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی از ۶۰ به بیش از ۶۹ درصد افزایش یافته‌است. تنها جنگ با ایران تا زمان آتش بس ۸ آوریل، حدود ۳۵ میلیارد شیکل هزینه اضافی به بودجه اسرائیل تحمیل کرده‌است. افزایش بدهی عمومی، رشد مالیات‌ها، فشار بر بودجه آموزش و سلامت و افت ۳۰٫۳ درصدی اقتصاد در سه‌ماهه نخست ۲۰۲۶ نشان می‌دهد راهبرد نظامی نتانیاهو برای تبدیل اسرائیل به «ابر اسپارت»، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه دارد. به گزارش مسیرا اقتصاد، هزینه‌های جنگ چندجبهه‌ای اسرائیل و چشم‌انداز نتانیاهو، برای تبدیل اسرائیل به یک «ابر اسپارت» در غرب آسیا، موجب افزایش قابل‌توجه بودجه دفاعی شده و نگرانی‌ها درباره کاهش بودجه بخش‌های آموزش و بهداشت را تشدید کرده‌است. بر اساس اعلام رئیس بانک مرکزی اسرائیل، مجموع هزینه‌های حملات نظامی و مشارکت این رژیم در مجموعه‌ای از درگیری‌های به‌هم‌پیوسته منطقه‌ای پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، تا پایان آوریل ۲۰۲۶ به ۴۰۵ میلیارد شیکل (معادل ۱۳۸ میلیارد دلار) رسیده‌است. او گفت این رقم بسیار بزرگی است و بیش از ۷۱٪ تولید ناخالص داخلی اسرائیل را تشکیل می‌دهد.

علاوه بر این، تنها عملیات نظامی علیه ایران که با موجی از حملات مشترک آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه آغاز شد، تا زمان اجرایی شدن آتش بس در ۸ آوریل، حدود ۳۱٫۵ میلیارد شیکل هزینه اضافی برای دولت اسرائیل به همراه داشته‌است. این برزآور اولیه از سوی وزارت دارایی اسرائیل منتشر شده‌است. دولت اسرائیل پس از تصویب بودجه سال ۲۰۲۶ در اواخر ماه مارس اعلام کرد که بودجه وزارت دفاع از زمان تشدید حملات به غزه در اکتبر ۲۰۲۳ بیش از دو برابر شده‌است.

برای تأمین مالی جنگ، دولت اسرائیل در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ به‌طور گسترده از بازارهای مالی بین‌المللی استقراض کرده‌است. بر اساس داده‌های وزارت خزانه‌داری، نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی اکنون از ۶۹ درصد فراتر رفته‌است؛ این نسبت پیش از آغاز جنگ حدود ۶۰ درصد بود. هم‌زمان مالیات‌ها و حق بیمه‌های تأمین اجتماعی نیز افزایش یافته‌اند؛ موضوعی که فشار بیشتری بر خانواده‌ها و فعالان اقتصادی وارد کرده‌است.

اسرائیلی‌ها دو باره هزینه جنگ را می‌پردازند

استیان کور، استاد اقتصاد در دانشگاه عبری اورشلیم، معتقد است شهروندان اسرائیلی در عمل «دو باره» هزینه جنگ را پرداخت می‌کنند. او در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه توضیح داد که نخستین هزینه از طریق کاهش مخارج اجتماعی دولت و محدود شدن سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی به مردم تحمیل می‌شود. این وضعیت در نتیجه چندین مرحله کاهش بودجه سرسری رخ داده‌است؛ آن هم در شرایطی که بدهی دولت همچنان در حال افزایش است. ادامه این روند می‌تواند به تضعیف کیفیت آموزش، افت سطح زیرساخت‌های عمومی و کاهش کارایی نظام سلامت منجر شود. به گفته او، دومین هزینه جنگ به رشد اقتصادی مربوط می‌شود. هرچند آثار هزینه‌های جنگی در ابتدا کمتر محسوس بود، زیرا اقتصاد اسرائیل توانست شوک اولیه ناشی از جنگ را پشت سر بگذارد. تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۲۴ به سطح سال ۲۰۲۳ بازگشت و روند رشد اقتصادی ادامه یافت. اقتصاد اسرائیل در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶ با نرخ سالانه ۳٫۲ درصد کوچک شد. این کاهش، روند رشد پیشین را معکوس کرد و نشانه‌ای از رکود ناشی از درگیری با ایران به‌شمار می‌رود.

تأثیر جنگ بر بازار کار و درآمد خانواده‌ها

سیبج مدامو ده‌ها هزار نیروی ذخیره ارتش از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون نیز فشار قابل‌توجهی بر اقتصاد اسرائیل وارد کرده‌است. کلور در این باره گفت: «بخش بزرگی از نیروی کار ما به‌جای حضور در محل کار، در ارتش خدمت می‌کند و این مسئله مستقیماً بر تولید و فعالیت‌های اقتصادی اثر می‌گذارد.» طبق نتایج نظرسنجی منتشرشده در اول ژوئن از سوی مؤسسه دموکراسی اسرائیل (IDI)، حدود ۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که از زمان آغاز جنگ در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ با کاهش دستمزدها یا درآمد مواجه شده‌اند. بر اساس این گزارش، افراد خوداشتغال و همچنین کارگران کم‌درآمد بیشترین آسیب‌ر از این شرایط متحمل شده‌اند.

در کنفرانس هرزلیا، معاون بخش بودجه وزارت دارایی اسرائیل، نسبت به شکل‌گیری «اقتصاد مبتنی بر تروما» هشدار داد. به گفته او، شوک و احساس شکست ناشی از حوادث ۷ اکتبر ممکن است باعث شود نهاد‌های نظامی به‌طور مداوم خواستار افزایش بودجه شوند و این روند به یک رویه دائمی تبدیل شود. نهاد‌های امنیتی باید یاد بگیرند نیازهای خود را به‌گونه‌ای تأمین کنند که به سطح زندگی شهروندان آسیب نرزد و در قبال پیامدهای اقتصادی تصمیمات خود نیز مسئولیت بپذیرند.

نتانیاهو و ابده «ابر اسپارت»

با وجود سرسام‌آور بودن هزینه‌های جنگ چندجبهه‌ای، بنیامین نتانیاهو از افزایش توان نظامی و اتکای بیشتر به صنایع دفاعی حمایت می‌کند. او در سپتامبر ۲۰۲۵ اعلام کرد که اسرائیل چاره‌ای جز تبدیل شدن به یک «ابر اسپارت» ندارد. این اشاره‌ای است به دولت‌شهر باستانی اسپارت در یونان که ساختار و هویت آن بر پایه جنگ و نظامی‌گری شکل گرفته بود. در شرایطی که اختلال‌نظ‌هایی میان نتانیاهو و ترامپ درباره عملیات نظامی اسرائیل در لبنان و همچنین نحوه پایان دادن به جنگ با ایران پدیدار شده‌است، نخست‌وزیر اسرائیل بر افزایش خودکفایی دفاعی تأکید دارد. بر اساس این رویکرد، اسرائیل به‌تدریج وابستگی خود به کمک‌های گسترده نظامی آمریکا را کاهش خواهد داد و تلاش می‌کند بخش بیشتری از نیازهای دفاعی خود را در داخل تأمین کند.

نتانیاهو در سوم ماه مه این سیاست را بار دیگر تأیید کرد و وعده داد طی ده سال آینده ۳۵۰ میلیارد شیکل در صنایع دفاعی ملی سرمایه‌گذاری شود تا اسرائیل بتواند «برتری قاطع هوایی» خود را حفظ کند.

استیان کور، اقتصاددان، هشدار داده‌است که در صورت ادامه روند فعلی، بودجه دفاعی اسرائیل ممکن است از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی فراتر رود. او خواستار بازگشت سریع بودجه نظامی به سطحی «معقول‌تر» شده‌است.

نیض اقتصاد

را در دست بگیرید



سید مرتضی محمودی، عضو کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد:

سیاست‌های اشتباه ارزی دولت عامل گرانی‌ها

■ **بازار کشور باید شفاف و تحت رصد شود** ■ **قوانینی چون صورتحساب الکترونیک و پایانه‌های فروشگاهی از سوی دولت معطل مانده‌است** ■ **باید به وضع معیشت نیروهای مسلح رسیدگی شود** ■ **قابل قبول نیست که قیمت خودرو به یک‌باره ۳ برابر شود** ■ **اگر برای افزایش حقوق معلمان و نظامیان پول نیست پس دولت چگونه حقوق اعضای هیات علمی را ۱۰۰ درصد افزایش داده‌است** ■ **گران‌فروشی خودرویک سودجویی کثیف‌است**

گفت‌وگو

🇮🇱 برای درک بهتر شرایط مذاکراتی میان ایران و آمریکا و بررسی چرایی گرانی‌های اخیر به گفت‌وگو با «سید مرتضی محمودی»، عضو کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید مجلس شورای اسلامی

پرداختیم؛

■ **گرانی‌های اخیر فشار زیادی به معیشت مردم وارد کرده‌است. آیا شرایط جنگی باعث این گرانی‌هاست؟**
وقوع ۵۰ تا ۳۰۰ درصد گرانی در کالاهای گوناگون آن هم بلافاصله پس از جنگ رمضان حقیقتاً برای مردم شوک‌آور و غیرقابل باور بوده و جامعه ما را دچار مشکلات معیشتی کرده‌است. قطعاً مهم‌ترین دلیل این افزایش قیمت وحشتناک و سرسام‌آور کالاها همان سیاست حذف ارز ترجیحی دولت در دی‌ماه ۱۴۰۴ است. جای تأسف است که برخی از اعضای هیات‌رئیس‌و نمایندگان مجلس هم در پیشبرد این طرح با دولت همکاری کرده‌اند و امروز این عزیزان هم باید پاسخگوی این موج گرانی‌ها باشند. انصافاً دولت در اعمال این سیاست خیلی عجله کرد و هیچ اقدام مؤثر رسانه‌ای و تبیینی برای اقناع جامعه انجام نشد. اگر کمی ریشه‌ای‌تر هم به این فکمه نگاه کنیم می‌توان مهم‌ترین عامل اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ را نیز همین سیاست غلط اقتصادی دولت در حذف ارز ترجیحی دانست. درنهایت معتقدم که نباید گرانی‌ها را به گردن جنگ انداخت.

■ **امادولتی‌ها دائماً تاکید می‌کنند که جنگ عامل گرانی‌هاست. لطفاً بیشتر در این زمینه توضیح دهید.**

ظاهراً نوعی از تعمد در میان برخی مسئولان وجود دارد که درباره خسارات جنگ تمصیلی ۴۰ روزه بزرگ‌گمائی کنند. دلیل این بزرگ‌گنمائی را در تلاش این عزیزان برای سرپوش گذاشتن بر آثار حذف ارز ترجیحی بر اقتصاد ایران باید جستجو کرد. یعنی به جای عذرخواهی از مردم، عده‌ای می‌خواهند به جامعه القا کنند که اگر گرانی سرسام‌آوری هم رخ داده به دلیل جنگ است و دولت و سیاست‌های اشتباه اقتصادی‌اش نقشی در شکل‌گیری این موج گرانی ندارند. ظاهراً دوسستان از یاد برده‌اند که در برابر هشدارهای امثال بنده در مجلس قول می‌دادند که بیشتر از ۳۰، ۴۰ قلم کالا با افزایش قیمت مواجه نخواهد شد و با نظارت مؤثر بازار اجازه تخلفات قیمتی را نخواهند داد. به هر حال سیاست حذف ارز ترجیحی با وجود همه مخالفت‌ها انجام شد و نتیجه‌آن

را بر سر سفره‌های مردم شاهد هستیم. بگذارید صریح بگویم که حذف ارز ترجیحی حتی اگر جنگ هم رخ نمی‌داد همین پیامدهای فاجعه‌بار قیمتی را به دنبال خود داشت. معلوم است که وقتی شما از ۲۸۵۰۰ تومانی مواد اولیه وارداتی را حذف کنید و قیمت

ارز آن را به بیش از ۱۴۰ هزار تومان برسانید درنهایت با افزایش فشار مجلس جلوی آن را گرفتیم. حالا دولت در این زمینه به دنبال کاهش سهمیه بنزین مردم است. ما هر دو سیاست گران‌سازی و محدودیت سهمیه مخالفیم و معتقدیم دولت باید در جهت افزایش بهره‌وری گام بردارد و این قدر به مردم فشار نیاورد.

■ **مردم این حس را دارند که بازار کشور به کلی رها شده و نظارت کافی وجود ندارد. به عنوان نماینده مردم در مجلس چه نظری دارید؟**

بازار ایران از عدم شفافیت، گران‌فروشی و احتکار در رنج است. تجربه نشان می‌دهد که سازوکارهای نظارتی چون تعزیرات به تنهایی توانایی کنترل مؤثر بازار را ندارند. اگر به تجربه موفق دوران دفاع مقدس رجوع کنیم می‌بینیم که در دهه ۶۰ از توان مردمی جهت رصد بازار بهره برده شد. برکات آن را هم در آramش نسبی بازار در زمان دفاع مقدس ۸ ساله به خوبی دیدیم. یعنی من به شش‌هه معتقدم که گذشته بزرگ عرصه نظارت بر بازار در ایران، مردم هستند. از سوی دیگر ما در بحث سازوکار نظارت سامانه‌ای بر بازار بسیار ضعیف هستیم. عیب است که بعد از این همه سال وزیر جهاد کشاورزی گفتم‌ک که تعاون انحصار موجود در بحث نهاده‌های دامی کشور را دچار خسران و زیان خواهد کرد. ما به‌خصوص در شرایط فعلی نیاز داریم که از این وضعیت انحصاری خارج شویم. به بیان ساده‌تر ما نیازمند واردات نهاده‌های دامی از مبادی گوناگون و توسط اشخاص گوناگون هستیم. در این صورت کشور از خطر پذیری در این عرصه خارج خواهد شد.

■ **آیا افزایش مبلغ کالابرگ را امکان‌پذیر می‌دانید؟**

اینکه برخی مسئولان دولتی می‌گویند در حال حاضر افزایش مبلغ کالابرگ امکان‌پذیر نیست را به‌عنوان نماینده مردم اصلاً و ابداً نخواهم پذیرفت. عدالت و انصاف حکم می‌کند در مبلغ کالابرگی که بر اساس شرایط آذر و دی‌ماه ۱۴۰۴ تعیین شده تغییر صورت بگیرد و یک میلیون تومان به ازای هر نفر را این تورم فاسدساخته‌ای که ما در بازار می‌بینیم اصلاً منطقی و منصفانه نیست. از سوی دیگر، هم تکلیف قانونی دولت و هم شرعی که مجلس برای اجرای طرح پایی دولت قرار داده بود همین افزایش مبلغ کالابرگ متناسب با تورم قیمت‌هاست. حتی آقای قالیباف شخصاً در مجلس و پیش روی نودنفرمان این موضوع را مطرح کردند و آن‌ها در این زمینه به ما قول داده‌اند. پس دولت با هر سختی هم که شده باید به قولش عمل کرده‌از فشار سفره مردم با افزایش نرخ کالابرگ پرداختی بکاهد. البته رئیس‌جمهور محترم اخیراً تصمیمی در این زمینه گرفته‌اند که امیدوارم زودتر عملیاتی شود.



آشکار مبتنی بر اطلاعات غلط از سوی خودروسازان است. اگر بهانه خودروسازان، هدف‌گیری واحدهای تولید ورق فولادی از سوی دشمن است که باید اعلام کنیم هم انبار تولیدکنندگان ورق فولادی و هم انبار خودروسازان مملو از ورق‌های فولادی بوده که برای چند ماه نیاز صنعت خودروسازی کفایت می‌کند. از سوی دیگر در میانه جنگ در جلسه‌ای که با وزیر صمت و معاونان ایشان داشتیم مشخص شد که یکی از واردکنندگان فولاد قرار است به میزان ۲۸۰ میلیون دلار ورق فولادی وارد کشور کند که جمع این مقدار با موجودی انبارهای داخلی کل نیاز کشور در نیمه نخست ۱۴۰۵ را پاسخگوست و هر نوع گران‌فروشی خودرو به بهانه نبود ورق فولادی یک سودجویی کثیف‌است. از سوی دیگر بهانه بعدی برای گران‌سازی خودرو بیعت هدف‌گیری پتروشیمی‌ها بود که اخیراً مشخص شد انبار مجموعه‌های پتروشیمی کشور نیز مملو از کالاست و در این زمینه هم کمبودی نداریم. بنابراین باز به همان بحث ضعف نظارت بر بازار باز می‌گردیم. یعنی اگر نظارت قدرتمند به‌علاوه قوه قهریه بر بازار اعمال شود کسی جرأت نخواهد کرد به بهانه‌های واهی و دروغین گران‌سازی و گران‌فروشی کالاها و تولیدات گوناگون از جمله خودرو را انجام دهد. این اصلاً قابل قبول نیست که خودروی یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومانی به یک‌باره ۳ میلیارد خرید و فروش شود.

■ **درباره رسیدگی به معیشت نیروهای مسلح نکات فراوانی در مجلس و دولت مطرح شده‌است. با توجه به مقاومت در برابرانه نیروهای مسلح در دو جنگ اخیر آیا اتفاقی مثبتی در این زمینه در عمل رخ داده‌است؟**

میانگین حقوق و دستمزد نیروهای مسلح کشور بسیار کم است و این عزیزان با وجود مقاومت غیورانه‌ای که در دو جنگ تحمیلی اخیر داشتند در زمینه معیشت به شدت تحت فشار هستند. ما در مجلس پیگیر این مطلب بودیم که حتماً در این بودجه ۵، ۱۴۰ پندهای لازم در راستای افزایش میانگین حقوق و دستمزد نیروهای عزیز مسلح ایران قرار بگیرد اما متأسفانه تاکنون اقدام جدی در این زمینه صورت نگرفته‌است. از این رو معتقدم بودجه ۵۰۵ نیازمند اصلاحاتی در مجلس است. اگر هم بهانه عدم توجه به معیشت نیروهای مسلح بخواهد کمبود بودجه دولت اعلام شود که ما در این زمینه سوآلات فراوانی داریم. مثلاً اگر بودجه نیست چرا فقط برای نیروهای مسلح یا معلمان نیست. دوستان ما در دولت حتماً فراموش نکرده‌اند که چگونه با دروزن سازوکار مجلس حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها را حدود ۱۰ درصد افزایش دادند. صد البته که افزایش حقوق حقوق شریف هیات علمی دانشگاه‌ها نیز امری لازم است اما اگر این افزایش حقوق‌ها بخواهد باعث ایجاد تبعیض میان یک بخش زحمتکش جامعه با بخش دیگر شود باید پذیرفتنی نیست. یعنی همان‌گونه که اعضای هیات علمی خالصانه در حال خدمت به ایران هستند؛ نیروهای مسلح، معلمان و سایر کارمندان و کارگران عزیز هم عاشقانه در سنگر خدمت مشغول جان فشانی هستند. بنابراین در بحث افزایش حقوق‌ها هیچ تبعیضی پذیرفتنی نیست.

■ **به عنوان پایان بخش گفت‌وگو آیا درباره مذاکرات با آمریکا نکتهای دراید که لازمی‌دانید از سوی مذاکرات شوندگان مدنظر قرار گیرد؟**

خوی سلطه‌جوی آمریکا همواره در دولت‌های این کشور نمود پیدا می‌کند. حال اگر دولت آمریکا دموکرات باشد یا ظاهری دیپلماتیک تر و نرم‌تر را در جمهوری‌خواه باشد یا ظاهری شکن تر و تهدیدات مداوم نظامی به دنبال سلطه بر ایران است. باید خیلی در مذاکرات مراقبت غذایی کشور داشته‌باشد. شرایط تعیین شده شعام که مورد تأیید مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله حسینی خامنه‌ای نیز بوده رعایت شود. مبادا

از این شروط عدول شود. همچنین درباره جبهه لبنان همان‌طور که هستیم، وارد شده‌ایم باید دشمن صهیونیستی را از کبریه‌های خودش بشیمان کنیم. باید مراقب باشیم که با تفسیر عجیبی که آمریکایی‌ها می‌خواهند از آتش بس در جبهه لبنان داشته باشند حضور اسرائیل در جنوب لبنان تثبیت نشود. چراکه آمریکایی‌ها به دنبال همین مسئله هستند و می‌خواهند در توافق نهایی هم صرفاً کلمه آتش بس و نه خروج اسرائیل از سرزمین لبنان گنجانده شود. بنابراین هم من به مردم عزیزمان قول می‌دهم که از مذاکره باشطلانی چون آمریکا آودهای نصیب ایران نخواهد شد. این وعده رهبر شهیدمان است که فرمودند نصرت‌اللهی به وسیله ملت مبعوث و نه مذاکره با دشمن رقم خواهد خورد. درنهایت امیدوارم مسئولان کشور در مذاکرات هوشیار و پیرو ولایت فقیه باشند.

شیمیایی و بازار نفت در شرکت تحلیل وود مکنزی، گفت: کشورهایی مثل عراق ممکن است با چالش بسیار جدی مواجه هستند، چون تولید آن‌ها به شدت کاهش یافته‌است و حدود یک سال طول می‌کشد تا به حالت قبل از جنگ برگردند. سرمایه‌گذاری در انرژی که دیدن نتایج آن سال‌ها طول می‌کشد، پس از بسته شدن تنگه متوقف شد. دانیل استرنوف، عضو ارشد مرکز سیاست انرژی جهانی در دانشگاه کلمبیا، گفت: کشورهایی که تولید نفت خود را متوقف کردند و توانایی بازتابت و یادوام بودن بازگشایی تنگه هرز متضمن نشوند و اینکه آتش بس بیش از ۳۰ یا ۶۰ روز ادامه خواهد داشت، تمایلی به ازسرگیری تولید ندارند. او افزود: «ما نمی‌دانیم منظور از بازگشایی تنگه هرمز چیست یا سرعت تخلیهٔ محموله‌های سرگردان چقدر خواهد بود. همچنین پیش‌بینی عمده کارشناسان بازار نفت نشان می‌دهد که قیمت نفت حتی در صورت بازگشایی کامل تنگه هرمز متوقف ایران و آمریکا باز هم حدود یک سال طول می‌کشد تا به شرایط قبل از جنگ بازگردد.



خاورمیانه هنگامی که فضای ذخیره‌سازی آن‌ها به اتمام رسید استخراج نفت را متوقف کردند و راه‌اندازی مجدد این فرآیند نیز می‌تواند کند باشد. **عدم اطمینان از بازگشایی کامل تنگه هرمز** الان کدر، معاون ارشد تحقیقات بلائیش، مواد

در اس اندپی گلوبال انرژی، گفت: نیروهای عملیاتی کارکنان شرکت‌ها) زمان می‌خواهند تا احساس امنیت کنند، بیمه‌نامه‌ها باید آماده شود، مخصوصاً برای اینکه نیروهای انسانی در محل حاضر شود و برخی از این تأسیسات را دوباره راه‌اندازی کند. **فاصله زیاد قیمت نفت نسبت به آغاز جنگ**

با این حال، بهای نفت در اوایل روز دوشنبه پس از اعلام این توافق کاهش یافت، نفت برنت، شاخص بین‌المللی، با ۳۴۵ دلار کاهش به ۸۳٫۸۹ دلار در هر بشکه رسید. نفت خام شاخص آمریکا نیز ۴۰ دلار کاهش یافت و به ۸۰٫۸۵ دلار در هر بشکه رسید. این قیمت‌ها همچنان بسیار بالاتر از حدود ۷۰ دلاری است که نفت پیش از شروع جنگ داشت.

توقفا استخراج نفت در برخی از کشورها

اوائل گفت: با کاهش قیمت‌ها کشتی‌هایی که تاکنون سرگردان بوده‌اند باید از تنگه خارج شوند و سپس نفتکش‌های جدیدی وارد شوند تا باگیری کنند. «برای وارد شدن یک کشتی به تنگه هرمز، باید مطمئن باشید که پنجره امنیتی (فرصت به اندازه کافی وجود

اخبار



دستمزد روزانه کارگر کمتر از قیمت ۲۵۰ گرم گوشت قرمز!

✂ در سال جاری، رقم ۵۵۴ هزار تومان به عنوان دستمزد روزانه کارگران در شورای عالی کار به تصویب رسید؛ این مبلغ پول خرید ۲۳۰ گرم گوشت ران گوسفندی ممتاز است. در واقع با افزایش ۶۰ درصدی دستمزد که دولتی‌ها مشخصاً آرزوی کار و اقتصاد، آن را گامی بلند در جهت بهبود معنادر وضع معاش کارگران توصیف کرده‌اند، قدرت خرید به نسبت سال‌های قبل به شدت افول کرده است تا حدی که دستمزد یک روز کارگر برای ۸ ساعت کار پیاپی، پول خرید ۲۵۰ گرم گوشت قرمز هم نیست!

به گزارش ایلنا، طوفان تند گرانی‌ها، زندگی آبرومند و سادۀ طبقهٔ کارگر ایران را جوار کرده‌است. امروز، نه خانه‌دار شدن و داشتن سرپناه شخصی، نه خرید یک خودروی ساده (حتی یک پراید با کمترین امکانات) و نه حتی یک سفر کوتاه آخر هفته به شمال، هیچ یک، جزو برنامه‌های زندگی خانواده‌های کارگری نیست؛ طبقهٔ کارگر در تقلاي زنده ماندن و تأمین نیازهای ساده‌ای که خانواده را به عنوان یک ارگان حیاتی اجتماع سرپا نگه دارد، روز را با دوپایه شیف‌ت کار به نیمه‌شب گره می‌زند اما باز هم گره‌های کور زندگی با زنی شود. نمونه‌ای از تنزل شدید سطح مطالبات و دغدغه‌های طبقهٔ کارگر ایران، صحبت‌های «سعید» کارگر جوانی است که بعد از یک سال بیمه‌پردازی در یکی از شرکت‌های خدماتی تهران، از آرزوهای رنگ باخته خود می‌گوید: «من ماهی ۲۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرم؛ مجردم، پول رهن آپارتمان نقلی‌ام از خانواده گرفته‌ام و هیچ خرج جانی ندارم اما این حال، مدت‌هاست توقع خرید خانه و ماشین را از ذهنم پاک کرده‌ام. آرزوی من خرید یک موتور ساده است که قیمتش زیر ۲۵۰ میلیون تومان نیست یعنی ده ماه حقوق کامل من. الان مدتی است که روزی یک وعده غذای خورم تا پول موتورسیکلت فراهم شود ولی باور می‌کنید در سه ماه اخیر، یک زیال هم پس انداز نکرده‌ام، تازه مفروض هم هستم. ... سعید در پاسخ به این سؤال که چه فکری برای تشکیل خانواده و ازدواج دارد، با لبخندی تلخ می‌گوید: چنین چیزهایی حتی به مخیله‌ام خطور هم نمی‌کند؛ من برای خودم نان شب به زور تهیه می‌کنم. ... وقتی این روزگار کارگری جوان و مجرد با مدرک کارشناسی است، کارگران متأهل و صاحب فرزند چه روزگاری دارند؟ «شهر» در تب‌تان می‌سوزد و گرانی چندین و چندین‌بارهٔ کالاهای ضروری خوراکی از جمله لبنیات، برنج، گوشت، مرغ و تخم مرغ و البته دارو، جایی برای دغدغه‌های فراتر نگذاشته است. همه چیز خلاصه شده است در تقلاي نبود ناگام برای زنده ماندن.

سقوط تند معیشت

سقوط معیشتی طبقه کارگر از میانه دهه ۹۰ شمسی و با یارانه‌زدایی از اقتصاد و باز گذاشتن دست سودجویان برای بالابردن قیمت‌ها و سودآوری از جیب مردم آغاز شد. آن زمان، هدفمندی یارانه‌ها، نام رمز آزادسازی و شوک‌درمانی ارزی بود اما شیب تند این سقوط، از سال‌های پایانی دهه ۹۰ تشدید شد؛ در یکی دوسال اخیر، قیمت ارز بی‌محایا بالا رفت و زندگی بی‌توقف، سقوط کرد؛ در این میانه، جنگ ماه‌های اخیر، تیر خلاصی بود که به سفره‌های بی‌جان و در حال نزول کارگران شلیک شد.

حالا برای تحلیل آماری این سقوط، فقط در نظر گرفتن یک مؤلفه از سبد خوراکی‌ها کفایت می‌کند؛ اگر «قیمت گوشت قرمز» را فقط در سه سال اخیر در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که چه ضربه‌ای به پیکره معیشت کارگران وارد آمده است. در سال ۱۴۰۲، قیمت هر کیلو ران گوسفندی ممتاز، ۷۰۰ هزار تومان بود؛ در سال ۱۴۰۳، نرخ هر کیلو ران به ۹۰۰ هزار تومان رسید؛ در سال ۱۴۰۴، قیمت آن یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان شد و اکنون در بهار ۱۴۰۵، قیمت هر کیلو ران گوسفندی ممتاز، ۲ میلیون و ۳۸۰ هزار تومان است.

در سال ۱۴۰۲، دستمزد روزانه کارگران ۱۷۶ هزار و ۹۴۲ تومان بود؛ در آن سال با دستمزد روزانه کارگرمی شد ۲۵۰ گرم ران گوسفندی ممتاز خرید. در سال ۱۴۰۳، دستمزد روزانه ۲۳۸ هزار تومان تصویب شد، با زهم با دستمزد روزانه می‌شد ۲۶۰ گرم ران گوسفند خرید؛ در سال بعدتر (۱۴۰۴)، دستمزد روزانه کارگران حداقل بگیر، ۳۴۶ هزار تومان به تصویب رسید که با زهم با این پول، امکان خرید ۲۶۰ گرم ران گوسفندی وجود داشت.

اما در سال جاری، رقم ۵۵۴ هزار تومان به عنوان دستمزد روزانه کارگران در شورای عالی کار به تصویب رسید؛ این مبلغ پول خرید ۲۳۰ گرم گوشت ران گوسفندی ممتاز است. در واقع با افزایش ۶۰ درصدی دستمزد که دولتی‌ها و مشخصاً آرزوی کار و اقتصاد، آن را گامی بلند در جهت بهبود معنادر وضع معاش کارگران توصیف کرده‌اند، قدرت خرید به نسبت سال‌های قبل به شدت افول کرده است تا حدی که دستمزد یک روز کارگر برای ۸ ساعت کار

پیاپی، پول خرید ۲۵۰ گرم گوشت قرمز هم نیست!

این در حالی است که یک وعده غذای گوشتی برای یک خانواده سه نفره، حداقل به ۲۵۰ گرم گوشت نیاز دارد؛ بنابراین کارگر اگر کل حقوق روز خود را بدهد، با زهم نمی‌تواند فقط گوشت‌ناهار خانواده را تأمین کند، به‌مانند که طبق یک غذای بسیار ساده بدون مخلفات جنبی، به اقلام دیگری از جمله برنج، سیب زمینی، پیاز و سیر هم نیاز دارد؛ هر کیلو برنج امروز بیش از ۴۰۰ هزار تومان قیمت دارد. «بدالله فرجی» فعال صنفی بازنشستگان و رئیس سابق شورای اسلامی کار شرکت جنرال استیل، در رابطه با این معادلات نابرابر معیشتی که هیچ وقت نتیجه‌آن‌ها به نفع طبقه کارگر نیست؛ به ایلنا می‌گوید: پایه حقوق ۱۶ میلیون تومانی و حقوق نه‌ایست ۲۲ میلیون تومانی یک بازنشسته بعد از سی سال کار، هیچ تناسبی با قیمت‌ها و کف بازار ندارد؛ کارگران و بازنشستگان در آرزوی این هستند که نیمی از ماه‌ها حتی بیشتر، در حسرت یک غذای ساده نباشند؛ در حسرت اینکه مدام سرهمنده خانواده نشوند.

این فعال صنفی با تاکید بر اینکه وقتی تمام آزادسازی و تورم را راه می‌گردند، هیچ در فکر معیشت مردم‌گیران با حقوق ثابت نبودند، فقط می‌خواستند درآمدزایی کنند؛ افزود: «گوشت قرمز یک کالای «کاملاً لوکس» است؛ حتی قیمت مرغ و تخم مرغ هم نجومی شده؛ بعد از جنگ اخیر با افزایش چندباره قیمت‌های خوراکی مواجه بودیم و اگر فکری برای رسیدگی به وضعیت اقتصادی مردم نکنند، اوضاع به سمت وخامت حداکثری می‌رود؛ امروز مردم از وضع زندگی‌شان به شدت ناراضی‌اند...»

«شهر» در تب‌تان خاکستری‌شود

«شهر» در تب‌تان می‌سوزد؛ در چند ماه اخیر، برخی قیمت‌ها به شدت نجومی شده؛ در همین مدت کوتاه، اقلامی مانند لبنیات، دویا حتی سه بار گران شدند؛ دارو‌ها و ضروریات زندگی مردم نیز از دسترس خارج شده و در این میان، دولت و تصمیم‌سازان، در اظهار نظر‌ها و جهت‌گیری‌ها، میلیون‌ها انسان دگرچهران جوی را فراموش کرده‌اند؛ یادشان نمی‌آید که اگر اوضاع تغییر اساسی نکند، شهر در تب، نان، خاکستری‌شود...



رشد ۱۰ درصدی تولید گوشت قرمز؛

بازار از رکود فصلی عبور کرد

گزارش

✂ آمار کشتارگاه‌های رسمی کشور در اردیبهشت ۱۴۰۵ از افزایش ۱۰ درصدی تولید گوشت قرمز نسبت به ماه قبل حکایت دارد؛ رشدی که در کنار ثبات نسبی در مقایسه سالانه، نشان می‌دهد بازار گوشت در مسیر نوسانی کنترل‌شده‌ای حرکت می‌کند.

داده‌های رسمی از عملکرد کشتارگاه‌های صنعتی و مجاز کشور در اردیبهشت ۱۴۰۵ نشان می‌دهد حجم گوشت قرمز استحصالی به حدود ۳۷ هزار و ۱۹۴ تن رسیده؛ رقمی که در مقایسه با فروردین، حدود یک‌دهم افزایش را ثبت کرده و از بهبود نسبی جریان عرضه در زنجیره کشتار و توزیع خبری می‌دهد. این افزایش ماهانه را می‌توان تا حدی به بازگشت تدریجی دام به چرخه عرضه پس از کاهش‌های فصلی در فروردین نسبت داد؛ الگویی که معمولاً در بازار دام کشور مشاهده می‌شود. در بسیاری از سال‌ها، فروردین به دلیل هم‌زمانی با تعطیلات و کاهش فعالیت کشتارگاه‌ها، ماهی کم‌حجم‌تر در عرضه محسوب می‌شود و اردیبهشت نقش جبرانی در این چرخه ایفا می‌کند. در ترکیب تولید نیز همچنان دام سنگین نقش اصلی را بر عهده دارد. بیش از نیمی از گوشت تولید شده در این ماه مربوط به گاو و گوساله بوده که با ثبت بیش از ۲۱



رشد ۱۰ درصدی تولید گوشت قرمز؛

بازار از رکود فصلی عبور کرد

گزارش

هزار تن، حدود ۵۷ درصد کل عرضه را تشکیل داده است. این موضوع نشان می‌دهد زنجیره تأمین گوشت کشور همچنان به شدت به دام‌های صنعتی و واحدهای پرواریندی وابسته است. در مقابل، گوشت گوسفند و بره با حدود ۱۲ هزار و ۷۰۰ تن در جایگاه دوم قرار گرفته و نزدیک به یک‌سوم تولید را به خود اختصاص داده است. سهم دام سبک در کنار دام سنگین، ساختار دوگانه بازار گوشت ایران را تثبیت کرده و نشان می‌دهد تغییرات قیمتی در این دو بخش می‌تواند کل بازار را تحت تأثیر قرار دهد.

ترکیب تولید؛ غلبه دام سنگین و رشد محدود دام سبک

بررسی جزئی‌تر داده‌ها نشان می‌دهد ساختار عرضه گوشت قرمز در کشور همچنان بر محور دو گروه اصلی یعنی گاو و گوسفند می‌چرخد؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۹۰ درصد کل تولید رسمی به این دو گروه اختصاص دارد. در این میان، دام سبک شامل بز و بزغاله و همچنین سایر گونه‌ها مانند شتر و گاویش، سهم محدودی از بازار دارند. تولید بز و بزغاله در اردیبهشت حدود ۲ هزار و ۵۳۰ تن گزارش شده که نزدیک به ۷ درصد کل عرضه را تشکیل می‌دهد. سایر گونه‌های دامی نیز در مجموع سهمی حدود ۲ درصد داشته‌اند.

این ترکیب نشان می‌دهد که اگرچه دام‌های سبک از نظر تعداد در بسیاری از مناطق کشور پراکندگی بالایی دارند اما از نظر

سهم در تولید صنعتی گوشت، جایگاه فرعی‌تری دارند. در مقابل، دام سنگین به دلیل راندمان بالاتر تولید گوشت و حضور گسترده‌تر در واحدهای صنعتی، نقش محوری در تأمین بازار دارد. نکته قابل توجه در داده‌های اردیبهشت، رشد نسبی دام سبک در مقایسه با برخی دیگر از گروه‌هاست. هرچند سهم آن در کل بازار کوچک است اما افزایش تولید تغییرات قیمتی در این دو بخش می‌تواند نشانه‌ای از تغییرات تدریجی در الگوی پرورش دام در برخی استان‌ها باشد؛ به‌ویژه

در شرایطی که هزینه خوراک دام و نهاده‌های وارداتی فشار بیشتری بر دامداری‌های صنعتی وارد کرده است.

ثبات سالانه در کنار جابه‌جایی‌های درون‌گروھی

اگر داده‌های اردیبهشت ۱۴۰۵ را با مدت مشابه سال قبل مقایسه کنیم، تصویر متفاوتی از پایداری بازار به دست می‌آید. در مجموع،

سطح تولید تقریباً بدون تغییر محسوس باقی مانده و بازار در مقیاس سالانه در وضعیت نسبتاً ثابت قرار دارد. با این حال، درون این ثبات کلی، جابه‌جایی‌هایی میان گروه‌های مختلف دامی دیده می‌شود. تولید گوشت گاو و گوساله تقریباً بدون تغییر نسبت به سال قبل گزارش شده، در حالی که گوشت گوسفند و بره کاهش جزئی حدود یک درصدی را تجربه کرده است.

در سوی دیگر، برخی گونه‌ها افت بیشتری را ثبت کرده‌اند؛ به‌طور مشخص، تولید گوشت گاو میش و بچه‌گاو میش کاهش حدود ۱۱ درصدی داشته و در بخش شتر نیز افتی نزدیک به ۱۸ درصد مشاهده می‌شود. این کاهش‌ها معمولاً به محدودیت‌های زیستی، کاهش صرفه اقتصادی پرورش و تغییر الگوی مصرف در مناطق خاص مرتبط است. در نقطه مقابل، تنها بخشی که رشد قابل توجهی را تجربه کرده، دام بز و بزغاله است که با افزایش حدود ۱۴ درصدی تولید نسبت به سال قبل همراه بوده است. این رشد اگرچه از نظر وزنی تأثیر محدودی بر کل بازار دارد اما از منظر تحلیلی نشان می‌دهد برخی دامداران در حال حرکت به سمت گونه‌هایی با هزینه نگهداری پایین‌تر هستند.

در مجموع، این تغییرات درون‌گروھی نشان می‌دهد بازار گوشت قرمز ایران بیش از آنکه دچار شوک‌های ساختاری شده باشد، در حال بازآرایی داخلی میان انواع دام است؛ بدون آنکه سطح کل عرضه تغییرات جدی را تجربه کند.

سایه بازار غیررسمی و محدودیت در تصویر واقعی تولید

یکی از نکات کلیدی در تحلیل وضعیت گوشت قرمز، وجود بخشی از تولید خارج از شبکه رسمی کشتارگاه‌هاست. بخشی از دام سبک در بسیاری از مناطق کشور خارج از چارچوب رسمی ذبح و توزیع می‌شود و در آمارهای فوق لحاظ نمی‌گردد. این مسئله به‌ویژه در مناطق روستایی و دامداری‌های خرد بیشتر مشاهده می‌شود و باعث می‌شود آمار رسمی تنها بخشی از واقعیت بازار را منعکس کند. بنابراین، آرقامی که از کشتارگاه‌های مجاز منتشر می‌شود، بیشتر نمایانگر بخش صنعتی و ثبت‌شده زنجیره تولید است تا کل حجم واقعی گوشت مصرفی کشور. با وجود این محدودیت، داده‌های رسمی همچنان مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی روند بازار محسوب می‌شود. رشد ماهانه ثبت‌شده در اردیبهشت نشان می‌دهد که جریان عرضه در مسیر افزایشی قرار گرفته و از نظر عملیاتی، زنجیره تأمین در وضعیت پایدار فعالیت می‌کند.

در صورت تداوم این روند، می‌توان انتظار داشت بازار گوشت قرمز در ماه‌های آینده نیز در وضعیت متعادل‌تری نسبت به دوره‌های نوسانی گذشته قرار گیرد؛ هرچند پایداری این تعادل به متغیرهایی مانند تأمین نهاده‌های دامی، هزینه حمل‌ونقل و سیاست‌های تنظیم بازار وابسته خواهد بود. در مجموع، داده‌های اردیبهشت ۱۴۰۵ تصویری از بازاری ارائه می‌دهد که نه در وضعیت بحران عرضه قرار دارد و نه در شرایط رشد پرشتاب؛ بلکه در نیک مسیر میانی، همراه با ثبات نسبی سالانه و نوسان‌های کنترل‌شده ماهانه حرکت می‌کند.

می‌توان انتظار داشت بازار گوشت قرمز در ماه‌های آینده نیز در وضعیت متعادل‌تری نسبت به دوره‌های نوسانی گذشته قرار گیرد؛ هرچند پایداری این تعادل به متغیرهایی مانند تأمین نهاده‌های دامی، هزینه حمل‌ونقل و سیاست‌های تنظیم بازار وابسته خواهد بود. در مجموع، داده‌های اردیبهشت ۱۴۰۵ تصویری از بازاری ارائه می‌دهد که نه در وضعیت بحران عرضه قرار دارد و نه در شرایط رشد پرشتاب؛ بلکه در نیک مسیر میانی، همراه با ثبات نسبی سالانه و نوسان‌های کنترل‌شده ماهانه حرکت می‌کند.

تولیدکنندگان کوچک در صف، غول‌ها در صدر فهرست تسهیلات

بررسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از تولیدکنندگان کوچک و متوسط همچنان از کمبود سرمایه در گردش و دشواری دسترسی به منابع مالی کلایه دارند. عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صمت اخیراً از وجود یک «انحراف بزرگ» در تخصیص منابع بانکی سخن گفته است. به گفته وی، با وجود آنکه بانک مرکزی از پرداخت بیش از ۸۸۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات حمایتی خبر داده، پایش‌های میدانی نشان می‌دهد حدود ۶۰ درصد واحدهای تولیدی نیازمند عملاً از این منابع بی‌بهره مانده‌اند. زارعی معتقد است بخش قابل توجهی از اعتبارات بانکی به جای آنکه به واحدهای کوچک و متوسط برسد، در اختیار شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌های قدرتمند قرار گرفته است؛ شرکت‌هایی که به واسطه قدرت چانه‌زنی بالا و روابط گسترده با شبکه بانکی، دسترسی آسان‌تری به منابع دارند.

بازی دوسریرد برای بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ

برخی کارشناسان معتقدند بخشی از تسهیلات اعلام‌شده در قالب طرح‌های حمایتی در واقع پول جدید نبوده و صرفاً تمدید تسهیلات قبلی شرکت‌های بزرگ محسوب می‌شود. به این ترتیب بانک‌ها بدون تزریق منابع تازه، همان تسهیلات قدیمی را تمدید کرده و در آمارهای رسمی به عنوان تسهیلات جدید ثبت می‌کنند. نتیجه این روند آن است که شرکت‌های بزرگ همچنان از منابع بانکی بهره‌مند می‌شوند، در حالی که واحدهای کوچک‌تر و همچنین متقاضیان وام‌های خرد از جمله وام ازدواج با محدودیت‌های جدی مواجه هستند. کارشناسان اقتصادی معتقدند اگر هدف سیاست‌گذار حمایت از تشکیل خانواده و افزایش نرخ ازدواج است، نمی‌توان نسبت به کاهش مستمر قدرت خرید وام ازدواج بی‌تفاوت بود. در چنین شرایطی، بازنگری در سقف تسهیلات ازدواج و هم‌زمان اصلاح سازوکار تخصیص منابع بانکی می‌تواند به یکی از مطالبات جدی جوانان تبدیل شود.



کاهش قدرت خرید با وام ازدواج؛ یک مثال ساده
اگر تورم عمومی ۶۷ درصدی اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی را مبنا قرار دهیم، برای حفظ قدرت خرید وام ازدواج در سطح سال گذشته، مبلغ این تسهیلات باید حداقل متناسب با همین نرخ افزایش پیدا می‌کرد.

به عبارت دیگر، وام ۳۰۰ میلیون تومانی امروز از منظر قدرت خرید معادل حدود ۱۸۰ میلیون تومان در سال گذشته است. بنابراین زوج‌های جوان بدون آنکه تغییری در رقم اسمی وام مشاهده کنند، در عمل با کاهش قابل توجه توان خرید مواجه شده‌اند.

این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم هزینه‌های آغاز زندگی مشترک شامل اجاره مسکن، خرید لوازم خانگی، تهیه جهیزیه و هزینه‌های روزمره خانوار همگی با سرعتی بسیار بیشتر از رشد درآمد‌ها افزایش یافته‌اند.

دستی از ۵۹۸ میلیون تومان به یک میلیارد و ۷۱ میلیون تومان افزایش یافته و رشد ۷۹ درصدی را ثبت کرده است.

در بازار خودروهای مونتاژی نیز شرایط مشابهی مشاهده می‌شود؛ به طوری که قیمت XUVP از ۶۲۳ میلیون تومان به بیش از یک میلیارد و ۱۴۶ میلیون تومان رسیده و رشد ۸۴ درصدی را تجربه کرده است.

اما جهش قیمت‌ها فقط به بازار خودرو محدود نشده است. در بخش لوازم خانگی، قیمت برخی کالاها رشد‌های چند برابری را تجربه کرده‌اند. برای نمونه قیمت یخچال فریزر ۹ فوت امرسان از ۲۶ میلیون تومان به ۸۵ میلیون تومان رسیده که افزایش ۲۲۶ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین قیمت ماشین لباسشویی ۷ کیلویی آبسال نیز از ۱۵ میلیون تومان به ۴۵ میلیون تومان افزایش یافته و رشد ۲۰۰ درصدی را ثبت کرده است. این ارقام نشان می‌دهد وام ازدواجی که زمانی



جنگ علیه ایران، کشاورزان آمریکایی را به زانودرآورد

افزایش قیمت انرژی و کودهای شیمیایی پس از تشدید تنش‌های نظامی در خلیج فارس، به یکی از جدی‌ترین چالش‌های بخش کشاورزی آمریکا تبدیل شده است. کشاورزانی که پیش‌تر نیز از تعرفه‌های تجاری، کمبود نیروی کار و کاهش حمایت‌های دولتی آسیب دیده بودند، اکنون با موج تازه‌ای از افزایش هزینه‌ها و نااطمینانی روبه‌رو شده‌اند.

بخش کشاورزی آمریکا سال‌هاست با مشکلات ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کند اما تحولات اخیر در خاورمیانه و اختلال در بازار جهانی انرژی، این بخش را وارد مرحله‌ای تازه از بحران کرده است. افزایش بهای نفت و گاز و نگرانی از محدودیت در انتقال انرژی از تنگه هرمز، به سرعت به بازار نهاده‌های کشاورزی سرایت کرده و هزینه تولید را برای میلیون‌ها کشاورز آمریکایی بالا برده است.

اگرچه دولت آمریکا تلاش می‌کند این افزایش قیمت‌ها را موقتی و ناشی از شرایط اضطراری معرفی کند اما بسیاری از کارشناسان معتقدند آنچه امروز کشاورزان تجربه می‌کنند، نتیجه ترکیب بحران ژئوپلیتیک و سیاست‌های اقتصادی چند سال اخیر است؛ سیاست‌هایی که انتطاف‌پذیری بخش کشاورزی را کاهش داده و آن را در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیرتر کرده است.

کشاورزان زیر فشار؛ از کمبود نیروی کار تا انفجار هزینه‌های تولید

پیش از آنکه تنش‌های منطقه‌ای بازار انرژی را ملتهب کند، کشاورزان آمریکایی با مشکلات متعددی مواجه بودند. سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی، دسترسی مزارع به نیروی کار از ران بازار را محدود کرد؛ تعرفه‌های تجاری نیز بخشی از بازارهای صادراتی را تحت تأثیر قرار داد و هم‌زمان کاهش بودجه‌های حمایتی دولت، دسترسی کشاورزان به وام‌ها و تسهیلات را دشوارتر ساخت.

اکنون با افزایش قیمت سوخت و کودهای شیمیایی، فشار مضاعفی بر این بخش وارد شده است. هزینه حمل‌ونقل محصولات بالا رفته، قیمت گازوئیل به سطوحی رسیده که سودآوری بسیاری از مزارع را تهدید می‌کند و کشاورزانی که کود مورد نیاز خود را پیش خرید نکرده بودند، ناچار شده‌اند با قیمت‌های بسیار بالاتر خرید کنند. در برخی ایالت‌ها، کشاورزان برای تأمین سرمایه در گردش به دریافت وام‌های جدید روی آورده‌اند و گروهی دیگر الگوی کشت خود را تغییر داده‌اند؛ به گونه‌ای که به جای محصولات پرمصرف از نظر کود، به سراغ محصولاتی رفته‌اند که نهاده کمتری نیاز دارند. این تغییرات اگرچه می‌تواند بخشی از فشار کوتاه‌مدت را کاهش دهد اما در بلندمدت ممکن است برمیزان تولید و امنیت غذایی تأثیرگذار باشد.

کارشناسان معتقدند وابستگی بالای صنعت کود شیمیایی به گاز طبیعی، باعث شده هرگونه تنش در بازار انرژی مستقیماً به بازار کشاورزی منتقل شود. به همین دلیل، حتی کاهش مقطعی قیمت کود نیز نتوانسته نگرانی‌ها دربارہ فصل کشت آینده را کاهش دهد.

زخم قدیمی جنگ تجاری دوباره سرباز کرد

بسیاری از کشاورزان آمریکایی هنوز خاطره جنگ تجاری دوره نخست دونالد ترامپ را فراموش نکرده‌اند؛ دورانی که تعرفه‌های متقابل میان واشنگتن و پکن، صادرات محصولات کشاورزی آمریکا را با افت قابل توجهی مواجه کرد. دولت ترامپ در آن زمان با اختصاص ده‌ها میلیارد دلار کمک مالی تلاش کرد زبان کشاورزان را جبران کند اما واقعیت آن است که بخشی از بازارهای صادراتی از دست رفته، هرگز به طور کامل بازنگشت؛ به‌ویژه تولیدکنندگان سویا که سهم مهمی از بازار چین را از دست دادند و رقبایی مانند برزیل جای آن‌ها را گرفتند.

اکنون نیز بسیاری از فعالان این حوزه نگران هستند که بحران جدید، خسارت‌هایی ایجاد کند که حتی با بسته‌های حمایتی دولت قابل جبران نباشد. از نگاه آن‌ها، کمک‌های نقدی می‌تواند بخشی از زیان کوتاه‌مدت را بپوشاند اما نمی‌تواند بازارهای صادراتی، اعتماد سرمایه‌گذاران و ثبات اقتصادی را به بخش کشاورزی بازگرداند. این نگرانی زمانی پررنگ‌تر می‌شود که حاشیه سود کشاورزان طی سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته است. افزایش هزینه بیمه، بالا رفتن نرخ بهره و نوسان قیمت محصولات کشاورزی، توان مالی بسیاری از بهره‌برداران را محدود کرده و باعث شده آن‌ها در برابر شوک‌های جدید، آسیب‌پذیرتر از گذشته باشند.

سایه ناراضیانی برپایگاه سنتی جمهوری خواهان

جامعه کشاورزی آمریکا همواره یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های رأی جمهوری خواهان به شمار می‌رفته است. دونالد ترامپ نیز در انتخابات‌های گذشته از حمایت گسترده کشاورزان برخوردار بود و بسیاری از ایالت‌های کشاورزی نقش مهمی در پیروزی او ایفا کردند. اما نشانه‌های جدید حاکی از آن است که این حمایت دیگر مانند گذشته بی‌قید و شرط نیست. افزایش هزینه‌های تولید، نااطمینانی نسبت به آینده و نگرانی از تداوم تنش‌های منطقه‌ای، باعث شده بخشی از کشاورزان نسبت به سیاست‌های دولت دیدگاه انتقادی‌تری پیدا کنند.

کاهش شفاف‌شدن خوب بینی در میان کشاورزان و افزایش تعداد افرادی که معتقدند آمریکا در مسیر اشتباه حرکت می‌کند، زنگ خطر را برای سیاستمداران جمهوری خواه به صدا درآورده است. به همین دلیل، دولت تلاش می‌کند با وعده بسته‌های حمایتی جدید و دیدارهای میدانی با فعالان بخش کشاورزی، از گسترش ناراضیاتی جلوگیری کند. با این حال، پرسش اصلی همچنان بی‌پاسخ مانده است؛ اینکه بحران انرژی و نهاده‌های کشاورزی تا چه زمانی ادامه خواهد داشت و آیا بازار جهانی می‌تواند به سرعت به ثبات بازگردد یا خیر. ابهام درباره آینده جنگ، زمان بازگشت کامل ظرفیت‌های تولید انرژی در منطقه و رفتار کشورهای صادرکننده نفت و گاز، چشم‌انداز پیش‌روی کشاورزان را تیره کرده است. آن‌ها اکنون در حالی خود را برای فصل جدید خرید کود و برنامه‌ریزی کشت آماده می‌کنند که نمی‌دانند هزینه‌های تولید در ماه‌های آینده چه مسیری را طی خواهد کرد.

آنچه امروز در مزارع آمریکا رخ می‌دهد، تنها یک بحران اقتصادی نیست، بلکه نشانه‌ای از بیوند عمیق امنیت غذایی با تحولات ژئوپلیتیک جهان است. هرگونه اختلال در بازار انرژی، می‌تواند از میدان‌های نفتی خاورمیانه تا مزارع ذرت و سویا در ایالت‌های آمریکا اثر بگذارد و نشان دهد که در اقتصاد جهانی امروز، امنیت غذایی بیش از هر زمان دیگری به ثبات سیاسی و اقتصادی گره خورده است.

■ چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۵

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ ۲ محرم ۱۴۴۸ ■ June ۱۷ ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۴۸۶

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



حلقه گمشده پاسخگویی در صنعت خودرو

گزارش

صنعت خودرو بیش از آنکه به تغییر مداوم مدیران نیاز داشته باشد، به استقرار یک نظام پاسخگویی نیاز دارد.

صنعت خودویران شاید یکی از معدود بخش‌های اقتصادی کشور باشد که در آن تغییرمدیران به یک اتفاق عادی و تکرارشونده تبدیل شده است. با تغییر دولت‌ها، سیاست‌ها یا حتی شرایط داخلی شرکت‌ها، مدیران عامل و اعضای هیات‌مدیره جابه‌جا می‌شوند، اما یک پرسش اساسی همچنان بی‌پاسخ باقی مانده است؛ چراهیچ‌گاه درباره عملکردمدیران گذشته، میزان تحقق وعده‌ها و هزینه تصمیمات آنها برای مردم، سهامداران و خود شرکت‌ها، مطالبه‌گری جدی شکل نمی‌گیرد؟

در سال‌های اخیر تقریباً همه مدیران صنعت خودرو هنگام ورود به شرکت‌ها، مجموعه‌ای از مشکلات را به مدیران قبلی نسبت داده‌اند؛ از زبان انباشته و بدیجی سنگین تا تعهدات معوق، افت تولید، بحران نقدینگی و ناراضیاتی مشتریان. در مقابل، بسیاری از مدیران پیشین نیز پس از ترک مسئولیت، عملکردمدیران بعدی را عامل مشکلات فعلی معرفی کرده‌اند.

نتیجه این چرخه آن است که هر دوره مدیریتی، منتقد دوره قبل

پشت پرده تجارت ایران-امارات؛ ذی‌نفعانی که از تغییر می‌ترسند

پشت پرده تجارت ایران-امارات؛ ذی‌نفعانی که از تغییر می‌ترسند

وابستگی تجارت خارجی ایران به امارات

صرفاً یک مسئله لجستیکی یا کریدوری نیست، بلکه در درون اقتصاد ایران شبکه‌ای از ذی‌نفعان شکل گرفته که در تداوم این وابستگی متعق می‌شوند. همین امر باعث می‌شود سیاست‌های کاهش وابستگی با تعارض منافع و مقاومت‌های پنهان مواجه شود.

وقتی از کاهش وابستگی ایران به امارات صحبت می‌شود، معمولاً بحث در سطح زیرساخت، کریدورهای جایگزین و اصلاحات گمرکی و لجستیکی می‌ماند. آنچه کمتر دیده شده، این است که در درون خود اقتصاد ایران، طی همه‌های گذشته یک «شبکه ذی‌نفعان» حول محور امارات شکل گرفته که تداوم وابستگی برای آن‌ها نه یک اجبار ناخواسته، بلکه منبع جدی سود و قدرت است. در چنین بستری، سیاست‌گذاری ضد وابستگی صرفاً یک تصمیم فنی یا تکنیکی نیست، بلکه ورود به میدان تعارض منافع است.

صورت‌بندی شبکه ذی‌نفعان

واکوی ساختار تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد که چند گروه اصلی در داخل کشور، به‌طور مستقیم از اتصال به شبکه امارات منتفع شده‌اند و مدل کسب‌وکار خود را حول آن سامان داده‌اند. نخست، شرکت‌های بازرگانی ثبت‌شده در امارات هستند؛ شرکت‌هایی که در مناطق آزاد و مالی امارات، به‌ویژه دبی تأسیس شده‌اند و نقش «چهره غیرایرانی» زنجیره تأمین ایران را بازی می‌کنند. این شرکت‌ها به زیرساخت بانکی، بیمه‌ای و لجستیکی امارات متکی‌اند، قراردادهایشان بر تحویل در دبی یا جبل علی استوار است و بخش عمده حاشیه سود آن‌ها از همین نقش واسط ناشی می‌شود. هر گونه انتقال واقعی محور تجارت از امارات به کریدورهای دیگر، عملاً به معنای بازنویسی مدل کسب‌وکار این طبقه از فعالان است.

در کنار آن‌ها، شبکه‌های صرافی و انتقال ارز قرار دارند که امارات را به یکی از مهم‌ترین گره‌های تسویه ارزی برای ایران تبدیل کرده‌اند. این شبکه‌ها چه صرافی‌های ایرانی مستقر در امارات، چه صرافی‌های محلی و چه واسطه‌های غیررسمی-سال‌هاست از نااهم خوانی نرخ‌ها، محدودیت‌های بانکی و نیاز فعالان اقتصادی به کانال‌های غیررسمی استفاده کرده‌اند و یک نظام تسویه‌موازی بنا کرده‌اند. کوچک شدن نقش امارات در تسویه ارزی، نه فقط یک جابه‌جایی جغرافیایی، بلکه به معنای جابه‌جایی قدرت و کاهش رانت در این شبکه‌هاست.

گروه سوم، کارگزاران حمل‌ونقل بین‌المللی،

و توجیه‌کننده عملکرد خود می‌شود؛ اما کمتر کسی مسئولیت

پیامدهای تصمیمات گذشته را می‌پذیرد. نمونه اخیر این موضوع را می‌توان در مباحث مطرح شده درباره وضعیت سایپا مشاهده کرد. برخی مدیران اسبق این شرکت در روزهای اخیر، کاهش تولید و مشکلات فعلی را به مدیریت‌های بعدی نسبت داده‌اند.

این در حالی است که آمارهای رسمی شرکت نشان می‌دهد پیش‌فروش‌هایی بازمی‌گردد که در سال‌های قبل ایجاد شده بود. براساس اطلاعات منتشر شده، سایپا در مقطعی با بیش از ۱۲۰ هزار دستگاه تعهد مازاد بر ظرفیت تولید مواجه شد؛ تعهداتی که بخش قابل توجهی از توان تولید سال‌های بعد را به خود اختصاص داد. در چنین شرایطی شرکت ناچار است به جای برنامه‌ریزی برای توسعه محصول یا پاسخگویی به تقاضای جدید بازار، بخش مهمی از منابع خود را صرف ایفای تعهدات گذشته کند.

اما مسئله اصلی صرفاً یک شرکت یا یک مدیر خاص نیست. پرسش بزرگ‌ترین است که چرا در صنعت خودرو، ارزیابی عملکرد مدیران به یک فرآیند نظام‌مند و شفاف تبدیل نشده است؟

پاسخگویی؛ حلقه مفقوده حکمرانی در صنعت خودرو

در بسیاری از صنایع بزرگ دنیا، عملکردمدیران بر اساس

شاخص‌های مشخصی مانند

سودآوری، بهره‌وری، رضایت مشتری، کیفیت محصول، میزان تحقق برنامه‌های توسعه‌ای و ارزش سهام‌ارزیابی می‌شود. مدیران نه تنها در زمان حضور، بلکه حتی پس از پایان مسئولیت نیز باید درباره نتایج تصمیمات خود پاسخگو باشند. اما در صنعت خودویران، معمولاً با تغییر مدیریت، پرونده عملکرد گذشته نیز بسته می‌شود. نه گزارش‌ی جامع از میزان تحقق وعده‌ها منتشر می‌شود و نه سازوکاری برای بررسی آثار تصمیمات مدیریتی وجود دارد. در نتیجه، هزینه بسیاری از تصمیمات اشتباه در نهایت به مشتریان، سهامداران، قطعه‌سازان و حتی خود شرکت‌ها منتقل می‌شود.

پاسخگویی؛ حلقه مفقوده حکمرانی در صنعت خودرو
در بسیاری از صنایع بزرگ دنیا، عملکردمدیران بر اساس شاخص‌های مشخصی مانند سودآوری، بهره‌وری، رضایت مشتری، کیفیت محصول، میزان تحقق برنامه‌های توسعه‌ای و ارزش سهام‌ارزیابی می‌شود. مدیران نه تنها در زمان حضور، بلکه حتی پس از پایان مسئولیت نیز باید درباره نتایج تصمیمات خود پاسخگو باشند. اما در صنعت خودویران، معمولاً با تغییر مدیریت، پرونده عملکرد گذشته نیز بسته می‌شود. نه گزارش‌ی جامع از میزان تحقق وعده‌ها منتشر می‌شود و نه سازوکاری برای بررسی آثار تصمیمات مدیریتی وجود دارد. در نتیجه، هزینه بسیاری از تصمیمات اشتباه در نهایت به مشتریان، سهامداران، قطعه‌سازان و حتی خود شرکت‌ها منتقل می‌شود.

در سطح عمیق‌تر، رانت‌های اطلاعاتی و شبکه‌ای قرار دارد. بسیاری از واسطه‌ها و کارگزاران، از مهارت و دسترسی خاص خود در محیط امارات-شناخت بازرگان کلیدی، کانال‌های غیررسمی حل مسئله و توان چانه‌زنی-سود می‌برند. انتقال فعالیت‌ها به کریدورهای جدید، این مزیت را تضعیف می‌کند و زمین‌بازی را تغییرمی‌دهد. طبیعی است که این گروه‌ها، چه در سطح لایه‌گری رسمی و چه در سطح زیرساخت کافی، اصلاح نشدن رویه‌های هزینه و ریسک مسیره‌های جایگزین را پررنگ‌تر و مزیت‌های آن را کم‌رنگ‌تر نشان دهند. نتیجه آن‌که بخش قابل توجهی از مقاومت در برابر سیاست‌های کاهش وابستگی، الزاماً آیدنولوژیک یا صرفاً محافظه‌کارانه نیست؛ بلکه ریشه در منافع مشخص اقتصادی شبکه‌ای دارد که طی سال‌ها حول محور امارات شکل گرفته است.

تعارض منافع و سایه ن بر سیاست‌های کاهش وابستگی

از ادبیات حکمرانی، زمانی که گروه‌های ذی‌نفع بتوانند به‌طور نامتناسب بر فرآیند سیاست‌گذاری اثر بگذارند، از «اسارت سیاست‌گذار» سخن گفته می‌شود. در موضوع وابستگی به امارات، خطر این اسارت کاملاً قابل لمس است. یک سطح از این اسارت در صورت‌بندی مسئله رخ می‌دهد. اگر صدای غالب در حلقه‌های مشورتی و نهادهای اجرایی، همان ذی‌نفعان شبکه امارات باشند، احتمال زیادی وجود دارد که مسئله به گونه‌ای تعریف شود که ریسک‌های امنیتی و راهبردی وابستگی کم‌رنگ جلوه داده شود. در حالی که هزینه‌های اقتصادی و اجرایی کاهش وابستگی بزرگ‌نمایی شود. به این ترتیب، حتی بدون مخالفت آشکار، نتیجه عملی آن است که سیاست‌گذار به‌طور ضمنی به تداوم وابستگی ترجیح می‌شود.

مالی کوتاه‌مدت شرکت را تأمین کند اما چند سال بعد شرکت را با انبوهی از تعهدات معوق مواجه سازد. آیا نباید درباره آثار این تصمیم توضیح دهد؟ یا اگر پروژه‌های میلیاردی بدون نتیجه مشخص اجرا شود، آیا صرف تغییر مدیریت می‌تواند مسئولیت آن را از بین ببرد؟

مطالبه‌گری فقط درباره قیمت نیست

در فضای عمومی، مطالبه‌گری از صنعت خودرو اغلب به قیمت خودرو محدود می‌شود؛ در حالی که بخش مهم‌تری از مطالبه‌گری باید متوجه نحوه اداره شرکت‌ها باشد. مردم به عنوان خریداران خودرو، سهامداران به عنوان مالکان شرکت‌ها و حتی دولت به عنوان سیاست‌گذار، حق دارند بدانند هرمدیر در دوره مسئولیت خود چه تصمیماتی گرفته و این تصمیمات چه نتایجی به همراه داشته است.

واقعیت آن است که بسیاری از مشکلات امروز صنعت خودرو، حاصل یک تصمیم یا یک دوره مدیریتی نیست؛ بلکه محصول انباشت تصمیماتی است که در سال‌های مختلف گرفته شده و آثار آنها به مرور آشکار شده است. به همین دلیل نیز نمی‌توان همه مشکلات را به مدیریت فعلی یا گذشته نسبت داد. اما همین واقعیت، ضرورت پاسخگویی را بیشتر می‌کند.

یکی از راهکارهای مهم برای تقویت پاسخگویی، انتشار منظم کارنامه مدیریتی شرکت‌های خودروساز است. گزارش‌هایی که در آن شاخص‌هایی مانند تولید، فروش، کیفیت، میزان تعهدات، وضعیت مالی، بدی‌ها، پروژه‌های توسعه‌ای و رضایت مشتریان به تفکیک دوره‌های مدیریتی ارائه شود.

چنین رویکردی می‌تواند از یک سومانع قضاوت‌های سلیقه‌ای درباره عملکردمدیران شود و از سوی دیگر، زمینه پاسخگویی واقعی را فراهم کند. در این صورت هر مدیری می‌داند که تصمیمات امروز او در سسال‌های آینده نیز قابل ارزیابی خواهد بود.

صنعت خودرو بیش از آنکه به

تغییر مداوم مدیران نیاز داشته باشد، به استقرار یک نظام پاسخگویی نیاز دارد؛ نظامی که در آن موفقیت‌ها و ناکامی‌ها به طور شفاف ثبت و ارزیابی شود. تا زمانی که مدیران بدون ارائه کارنامه روشن از یک مسئولیت به مسئولیت دیگر منتقل شوند هزینه تصمیمات نادرست صرفاً بر دوش مشتریان و سهامداران باقی بماند، تغییرمدیران به تنهایی نمی‌تواند مشکلات ساختاری این صنعت را حل کند.

شاید زمان آن رسیده باشد که در کنار مطالبه کیفیت، قیمت و تولید، یک مطالبه مهم‌تر نیز در صنعت خودرو شکل بگیرد؛ اینکه هرمدیر، در برابر نتایج تصمیمات خود پاسخگو باشد؛ حتی پس از پایان دوره مدیریتش.

صنعت خودرو بیش از آنکه به

تغییر مداوم مدیران نیاز داشته

باشد، به استقرار یک نظام پاسخگویی

نیاز دارد؛ نظامی که در آن موفقیت‌ها و ناکامی‌ها

به طور شفاف ثبت و ارزیابی شود.

تا زمانی که مدیران بدون ارائه

کارنامه روشن از یک مسئولیت به

مسئولیت دیگر منتقل شوند هزینه

تصمیمات نادرست صرفاً بر دوش

مشتریان و سهامداران باقی بماند،

تغییرمدیران به تنهایی نمی‌تواند

مشکلات ساختاری این صنعت را حل کند.

شاید زمان آن رسیده باشد که

در کنار مطالبه کیفیت، قیمت و

تولید، یک مطالبه مهم‌تر نیز در

صنعت خودرو شکل بگیرد؛ اینکه

هرمدیر، در برابر نتایج تصمیمات

خود پاسخگو باشد؛ حتی پس از

پایان دوره مدیریتش.

صنعت خودرو بیش از آنکه به

تغییر مداوم مدیران نیاز داشته

باشد، به استقرار یک نظام پاسخگویی

نیاز دارد؛ نظامی که در آن موفقیت‌ها و ناکامی‌ها

به طور شفاف ثبت و ارزیابی شود.

تا زمانی که مدیران بدون ارائه

کارنامه روشن از یک مسئولیت به

مسئولیت دیگر منتقل شوند هزینه

تصمیمات نادرست صرفاً بر دوش

مشتریان و سهامداران باقی بماند،

تغییرمدیران به تنهایی نمی‌تواند

مشکلات ساختاری این صنعت را حل کند.

شاید زمان آن رسیده باشد که

در کنار مطالبه کیفیت، قیمت و

تولید، یک مطالبه مهم‌تر نیز در

صنعت خودرو شکل بگیرد؛ اینکه

هرمدیر، در برابر نتایج تصمیمات

خود پاسخگو باشد؛ حتی پس از

پایان دوره مدیریتش.

صنعت خودرو بیش از آنکه به

تغییر مداوم مدیران نیاز داشته

باشد، به استقرار یک نظام پاسخگویی

نیاز دارد؛ نظامی که در آن موفقیت‌ها و ناکامی‌ها

به طور شفاف ثبت و ارزیابی شود.

تا زمانی که مدیران بدون ارائه

کارنامه روشن از یک مسئولیت به

مسئولیت دیگر منتقل شوند هزینه

تصمیمات نادرست صرفاً بر دوش

مشتریان و سهامداران باقی بماند،

تغییرمدیران به تنهایی نمی‌تواند

مشکلات ساختاری این صنعت را حل کند.

شاید زمان آن رسیده باشد که

در کنار مطالبه کیفیت، قیمت و

تولید، یک مطالبه مهم‌تر نیز در



رویکرد، به بنگاه‌ها و واسطه‌ها زمان می‌دهد تا

قراردادها، ساختارهای تأمین و شبکه‌های عملیاتی

خود را به تدریج تنظیم کنند.

دوم، همراه کردن بخشی از ذی‌نفعان در نقش

تازه است. بسیاری از شرکت‌های بازرگانی و

کارگزاران حمل امارات‌محسور، از نظر مهارت،

تجربه و شبکه ارتباطی، ظرفیت ایفای نقش در

کریدورهای دیگر را نیز دارند. سیاست‌گذار می‌تواند

با طراحی مشوق‌های مالی، تسهیل ثبت شرکت

در کشورهای جایگزین و اصلاح رویه‌های داخلی،

آن‌ها را تشویق کند که بخشی از فعالیت خود را

به بنادر ایرانی یا سایرهاب‌های منطقه‌ای منتقل

کنند. اگر همان بازرگان بتوانند بخشی از مزیت

خود را در مسیرهای جدید بازتولید کنند، انگیزه

مقاومت کاهش می‌یابد.

سوم، اصلاح محیط داخلی به عنوان پیش شرط

است. تا زمانی که کار با بنادر و گمرکات ایران برای

این بازرگان معادل مواجهه با عدم قطعیت،

بروکراسی فرس آینده و تصمیمات سلیقه‌ای

باشد، هر دعوتی به «بازگشت» یا «انتقال»

عملاً به معنای مطالبه‌ای برای پذیرش ریسک

بالا تر است. دیجیتالسازی رویه‌های کاهش

تماس‌های حضوری، محدود کردن اختیارات

سلیقه‌ای و ایجاد پنجره واحد واقعی، مستقیماً

هزینه و ریسک تغییر مسیر را برای ذی‌نفعان

کاهش می‌دهد.

چهارم، شفاف‌سازی داده‌ها و شکستن انحصار

روایت است. انتشار منظم داده‌های مقایسه‌ای

درباره هزینه، زمان و میزان ریسک در کریدورهای

مختلف و تولید گزارش‌های تحلیلی مستقل،

می‌تواند به سیاست‌گذار کمک کند که در دام

روایت‌های یک‌سویه شبکه‌های ذی‌نفع گرفتار

نشود. هرچه تصویر واقعی‌تری از هزینه‌ها وجود

داشته باشد، امکان تصمیم‌گیری مستقل‌تر

بیشتر است.

در مجموع، کاهش وابستگی به امارات تنها با

نگاه زیرساختی و فنی پیش نخواهد رفت. اما

یک مسئله سیاسی-اقتصادی به معنای دقیق کلمه

است؛ مسئله‌ای که در آن شبکه‌ای از ذی‌نفعانی

داخلی می‌توانند سیاست‌گذاری را کنند، منحرف یا

حتی خنثی کنند. اگر این بعد دیده و مدیریت نشود،

خطر آن است که «سیاست ضد وابستگی» سال‌ها

در سطح شعار و سند باقی بماند اما در واقعیت،

جریان اصلی کالا و ارز همچنان از امارات عبور کند.

فهم، صورت‌بندی و تنظیم هوشمندانه رابطه با

این ذی‌نفعان، شرط لازم برای هر راهبرد جدی

در جهت کاهش آسیب‌پذیری است.